

کودکی را از من بگیر واقعبت رانه!

■ رسیدی؛ یا در شرایط سخت باید کار کرد که شاید خیلی‌ها راغب نباشند با این شرایط کار کنند. عاقبتی: فستيوال همدان اتفاق خوبی است، اما این کارهایی که در همدان اجرا می‌شود بعدش چه می‌شود؟ مثلاً الان بعد از اتمام نمایش «اسکلیگ» نمایش «مثل سگ» که کار «حسن معجونی» است اجرا می‌شود که خود اتفاق خیلی خوبی است که کسی مثل حسن معجونی می‌خواهد در این فضا کار کند و این نمایش و یکی، دو اجرای دیگر، می‌شود کل تناثری که برای فصل تابستان بچه‌ها در نظر گرفته شده.

شکیبا: این نمایش البته مخصوص نوجوانان است. عاقبتی: ۲۰ اجرا در واقع کافی نیست، این کار می‌تواند ۱۰ تا شهرستان برود و در هر کدام از آنها ۱۰ اجرا داشته باشد. هنرمندا هم همکاری می‌کنند، ما که نمی‌خواهیم لندن اجرا کنیم، می‌خواهیم برویم همین شهرستان‌های خودمان.

■ اگر این محرومیت‌ها نباشد که حادثه‌ای مثل ماجرای خرمدره و کشته شدن چند کودک به دلیل ازدحام برای دیدن برنامه کودک اتفاق نمی‌افتاد. این یعنی نیازی که بی‌پاسی مانند عاقبتی: و این نتیجه این است که خوراک ندادند و حمایت‌هایی را که لازم است، نمی‌کنند و همه انگیزه هنرمندانی که می‌خواهند کار کنند در منطقه خفه می‌شود. ما به عنوان تئاتر شاید بتوانیم نیازمان به کار کردن و دیده شدن را با کار برای بزرگسالان برطرف کنیم، اما اینجا مساله و دغدغه‌مان بچه‌های کشورمان است، که این کار به حمایت نیاز دارد. کوشکی: و این را باید مسوولان از هنرمندان

بخواهند و تأمین‌شان کنند. عاقبتی: چهار سال پیش یک گروه آلمانی از من خواستند که همین نمایش «تنها خدا حق دارد.» را که درباره خدا و مرگ و سرتطان ... است، ببرم و برای بچه‌های آلمانی اجرا کنم. چراغی که به خانه روانست به مسجد حرام است. کار ما مدیریت و پیگیری مسایل اجرایی نیست، ما باید بنویسیم و کارگردانی و بازی کنیم. آن بخش دیگر بر عهده مسوولان است. برای این بچه‌های کشور باید تلاش کرد، اینها یک نسل هستند، اگر ما به آنها یاد بدهیم که به بچه‌ها باید فکر کرد، فردا آنها هم به بچه‌هایشان فکر می‌کنند. ولی ما اینن کار را نمی‌کنیم، درواقع یک حق انسانی را داریم دریغ می‌کنیم. بچه تا زمانی که یک چیز هشل هفتی درنیامده، حق حرف زدن ندارد. می‌گوییم بچه‌ها لازم‌ه بزرگ می‌شوند. من هم همین‌طوری بزرگ شدم، هفت تا بچه بودیم و نفهمیدیم چطور بزرگ شدیم! این‌طوری که نمی‌شود انتظار داشت بچه‌هایمان این مملکت را آباد کنند، آرمان گرایانه فکر نمی‌کنم، حداقل سرگرم‌شان کنیم. چطور ما به عنوان پدر و مادر اگر شب بچه‌مان گرسنه باشد، خواب‌مان نمی‌برد، حاضریم خودمان گرسنگی بکشیم اما فرزندانمان این‌طور نباشد. حالا این خوراک فرهنگی و روحی و معنوی هم همین است، همین قدر اهمیت باید داشته باشد.

رسیدی: ولی باز هم همه این وظیفه پدر و مادر نیست، مسوولیت بزرگ‌تری است. عاقبتی: من هم می‌خواهم به همین برسم، که ما اگر خط قرمزهای زیادی برای فرزندان‌مان می‌گذاریم می‌خواهیم خیلی مواظب باشیم که چه اتفاقاتی بیفتد یا نه، اما در عین حال واقعبت این است که بچه‌ها که بزرگ شوند، خوشدان رامشان را انتخاب می‌کنند و آنجاست که با عملکردشان انتقام‌شان را از دنیا، ما پدر و مادرها و مسوولان می‌گیرند.

شکیبا: جالب اینجاست که وقتی دراین‌باره صحبت می‌شود، عنوان می‌شود کارهایی که از هالیوود می‌آید ترویج مسایلی است که با فرهنگ ما سازگار نیست. اما در این شرایط به نظر من به جای این حرف‌ها باید کمسی از گروه‌های داخلی حمایت شود. وقتی خوراکی که از آن طرف می‌آید مناسب نیست و از داخل هم تأمینی نیست، این بچه‌ها چه خواهند داشت؟

حسی در زمینه فیلم و برنامه‌های تلویزیونی کودک و نوجوان هم فعالیت چشمگیری صورت نمی‌گیرد

کوشکی: طی چند سال گذشته همه چیز بسته‌تر شده و برای کار کودک کمیزی‌های شدیدتری هم اعمال می‌شود.

عاقبتی: این به دلیل این است که مثل کار بزرگسال با آن بر خورد می‌شود. اما واقعبت این است که بچه سیاستمدار و ضداخلاقی نیست، باید آستین بالا زد، با بروشور و مقاله هم کار ی بیش نمی‌رود، زمان دارد می‌گذرد و بچه‌ها به سرعت دارند بزرگ می‌شوند وفرصت‌ها دارد از دست می‌رود. حرف زدن فایده ندارد، باید عمل کرد، در حد توان خودمان. چرا بچه من باید برنامه مهران مدیری ببیند؟ آقای مدیری و کارشان محترم هستند، اما نه برای بچه‌ها. یا چرا بچه‌های ما را از طرف مدرسه می‌برند فیلم «قلاده‌های طلا» ببینند؟ بچه من نوعی باید خوراک مناسب خودش را داشته باشد. همان قدر که درست نیست بچه‌ها را وارد فضاهایی نکنیم که ما به آنها می‌گوییم فضاهای جدی، همان‌قدر هم درست نیست که فخن بچه‌ها را از الان آلوده چیزهایی بکنیم که مال آنها نیست. اینها آشفتگی است و نشان می‌دهد که ما چقدر از دنیا عقب هستیم.

بی‌نوشته

۱. Slapstick: (اسلپ استیک) نوعی کمدی که براساس حرکات اغراق‌شده و سرگرم کردن مخاطب تعریف می‌شود.



حسین پاکدل

کاروان هنر، در گذر از قرون و اعصار، بر پهن‌دشت جغرافیای خاک، این زیستگاه آدمیان، گاه از دیاری چون باد گذر کرده و نشان و یادگار از خود و پنداده است. از این رو امروز بسیاری اقاوم در اقطار عالم که بی‌هیچ دستاويز هنر و بی‌نصبی از افتخار روزگار می‌گذراند و گاه در سرزمینی به تامل، رحل اقامت افکنده و بار بر زمین نهاده ماندگار شده و امروز بسیاریند آنان که متفقا‌ند «اصفهان» دیرزمانی اتراقگاه کاروان هنر بوده و هست. آنچه هنر و هنرمندی در این خطه به مدد ایام و به سر پنجه‌توای تدبیر طلیعه‌داران هنر آفرید، هنر را زیب و فر داد و بال و پیر پرواز، اصفهان، این پایتخت هنر، به حق و به ادعان عموم مستشرقان، سلسله جنبان هنر است. کافی است با نگاه عشق و الفت به آنچه واهانده از غارت ایام، به دیده عبرت نظر کنیم، از کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌ها و آینه‌بندی‌ها و منبت‌کاری‌ها و ترنج‌ها و

برپچه‌ها باقری: شورای‌عالی سینما در این سال آخر قصد دارد فعالیت و تأثیرگذاری‌اش را نشان دهد سه جلسه در سمت ۲۰روز با حضور رئیس‌جمهور و تصویب موضوعات کلان.
شورایی که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همین چند وقت پیش درباره‌اش گفت: «شورای‌عالی سینما آغاز به کار کرد تا آقای رئیس‌جمهور در جریان کارهایی که در سینما انجام می‌شود، باشد.» و بعد ادامه داد: «در این شورا مصوبات برای شورای‌عالی سینما تشکیل شده و این در حالی است که شورا‌های عالی دیگر در سال تنها یک یا دو جلسه تشکیل می‌دهند و این نشان از اهمیت سینما برای ما دارد.» در آخرین جلسه شورای‌عالی سینما تصویب ۲۵میلیون دلار به سازمان سینمایی بود. پیش از این هم البته شورای‌عالی مصوبه‌هایی برای پرداخت پول به سازمان سینمایی داشت؛ یک مورد آن اختصاص بودجه یک‌هزار و ۵۰۰میلیارد ریالی به سازمان سینمایی بود که در زمان تصویب، سروصدای زیادی به‌راه انداخت اما کمی بعدتر معلوم شد که تنها بخشی از این پول پرداخت شده است. به هر حال نامه‌ای از طرف رئیس‌جمهوردهم به بانک مرکزی ارسال شد که در آن تصریح شده بود ۲۵میلیون دلار برای انجام فعالیت‌های سینمایی، به سازمان سینمایی پرداخت شود. جمال شورش، که یکی از اعضای شورای‌عالی سینماست، در این‌باره گفته است: «قرار بر این شده بدون واسطه و با ارتباط مستقیم رئیس‌جمهور با رئیس بانک مرکزی این بودجه به حساب سازمان سینمایی واریز شود»

«کیهان کلهر» کنار هنر مندی چینی

ایستنا: «کیهان کلهر» با همراهی آنسلمبر گروه «جله ابریشم» به روی صحنه می‌رود در این اجرا که از دوم تا چهارم تیرماه در «هتکل رود» برگزار می‌شود، پیویم، نوازنده ویلن سل که هنرمندی چینی تبار بوده و به عنوان یکی از بهترین نوازندگان قرن معرفی می‌شود، کلهر را با سازش همراهی خواهد کرد.

■ ■ ■

ادب‌و‌هنر

«نای کسایي حكايتِ نِي تمام کرد»

اسلمی‌ها و بنا‌های بی‌شمار که در گذر روز‌ها و سال‌ها رنگ کهن‌گی نگیرند و هر دم تازه و نو در نظر می‌آیند، همه و همه حكايت‌خداوند‌گاري اهالی ایران‌زمین است بر خلق هنر. هنر در ذات، راز‌های سر به مهر آدمیان ساکن خاک است که در عبور از عمر گر‌انمایه خویش، در گوش آب و باد و آتش و خاک سرودند و درد فراق از مبدأ وجود را این‌گونه وصف کردند:

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق به جرأت می‌توان گشت هنر در ایران به‌خصوص در اصفهان رنگ و بویی دیگر دارد، نوعی نقطه تمایل و وصل است، جوشش عشق و شیدایی، عجین شده با تمنا و توسل واهانده از غارت ایام، به دیده عبرت نظر کنیم، از کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌ها و آینه‌بندی‌ها و منبت‌کاری‌ها و ترنج‌ها و

۴۴میلیارد تومان شورای‌عالی برای سینما

علامت سوال‌های بسیار

بودجه ۲۵میلیون دلاری چیست؟ دقیقاً به چه نهادی تعلق می‌گیرد؟

در حالی که این روز‌ها سینمای ایران از لحاظ گیشه و تولید در شرایط بحرانی به سر می‌برد، بودجه ارزی۲۵میلیون دلاری و ۴۳میلیارد تومانی که ظرف ۶ ماه آینده به سینما تخصیص می‌یابد بیشتر از بودجه کل سینمای ایران است. درباره وضعیت ضعیف تولید در سینما می‌توان به مقایسه آلم سه ماه مشابه در سه سال گذشته رجوع کرد؛ از سال ۸۹ در بهار ۲۶ فیلم تولید می‌شد، در سال ۹۰ تعداد فیلم‌های تولیدی به ۱۹ فیلم رسید و در نهایت در سسمه اول سال فقط ۱۴ فیلم در حال تولید است یعنی اکثر سینماگران بیکار هستند یا منتظر اتفاق جدیدی مانندان این درحالی‌است که مدیران سینمایی با وعده تولید ۳۰۰ فیلم در یک سال آمده بودند و صحبت‌هایی جدی از رونق‌دادن به تولیدات سینمایی و ایجاد فرصت‌های بیشتر شغلی می‌کردند. احمد نجفی، عضو شورای‌عالی سینما اعلام کرده، این بودجه بیشتر به منظور تولید، تجهیزات‌جدید و نیاز‌هایی که مورد نیاز بچه‌های سینماست و همچنین ساخت فیلم و برایی هفته‌های فیلم استفاده شود. نجفی با بیان اینکه اتفاقات خوب دیگری هم در پیش است در این‌باره گفته است: «به دنبال اقدامات ریشه‌ای برای آینده سینما هستیم که یکی از این اقدامات موضوع مالیات و مشکلی است که سال‌هاست

هستی و تمامیت خواست‌ها و تمایلات و آرزو‌های انسان فراهم آمده تا اصفهان ایران، از این نظر بر صدر نشینند و فخر آدم و عالم شود. از میان همه گونه‌های هنر، موسیقی، در این خطه، جایگاهی ویژه دارد. گویی در هر گام، نوای سرزمین انسان را به گوش می‌رساند. موسیقی و شعر پارسی دور کن اساسی و اصلی فرهنگ ایران‌زمین است، فرهنگی که در آن از دیرباز موسیقیدان را رامشگر می‌نامیدند، از آن روی که با نوای موسیقی، خلق را به آرامش می‌برد. از میان ساز‌ها، نی، حکایت دیگری دارد. تار و پودش از آب و خاک و محصول امتزاج این دو با لهیب آتش خورشید و صدایش جریان بساد، راز‌های نهفته در نوای نی، همه تاریخ را در نظر مجسم می‌کند با همه این احوال، نی تا در نیستان است فراق نشیده و نای ندارد و چون نفس اهلش بدان رسید بارور شد و های و هوی کرد و شد آنچه هست. گراف نیست اگر بگوییم

■ ■ ■

نی، بی‌نای حسن کسایی، این پیر پرتجربه، مهجور است و اگر نبود این نادره دوران، موسیقی جهان، بسیار چیز‌ها کم داشت.

صد هنر صنع خدایی آفرید

لیک‌نی را یک کسایي آفرید

گر نمی‌دید از تو این اوج و فرد

نی در آغوش نیستان مرده بود

نی، تنها ساز کهن این سرزمین، چون نفیر آغازده، گذشته و حال را یک جا باز گوید. از فراز و فرود‌ها، رفت‌وآمدها، پست و بلند‌ها، جنگ و ستیز‌ها، ظهور و سقوط‌ها، عشق و جدایی‌ها، قحط و فراوانی‌ها، هر دم که این ساز بر لب مبارک این سید ماؤ می‌گزید و ناله می‌آغازید حکایت‌های ناگفته ساز می‌کرد. آنگاه بود که می‌شد گفت: دیگر نه نی کی ساز معمولی است، نه آوایش تنها نوایی گم در برهوت و نه حسن کسایی چون در آن سلساق نبین می‌نمید آدمی خاکی و نه مهد پرورشش اصفهان یک خطه کوچک از جغرافیای جهان. هر‌گاه این سه درهم می‌شدند حکایت تمام کرده و جهانی نو می‌ساختند.

حیف باشد بر چنان تن پیرهن

ظلم باشد بر چنان صورت نقاب

شود.» به گفته او قرار است بخشی از این ۲۵میلیون دلار برای واردات امکانات سینماگران ایران سرمایه‌گذاری شود. اما نکته مهم اینجاست که این پول صرف پروژه‌های به‌اصطلاح فاخر نمی‌شود. در واقع علی‌اکبری تأکید می‌کند که این پول صرف تولید فیلم نمی‌شود: «در مجلس شورای اسلامی تصویب شده که سالانه هزینه تولید سه فیلم فاخر جدا از بودجه سینمایی کشور تأمین شود. گویا فیلمسازان در جریان نیستند و خبر ندارند! حتی شاید برای خواننده‌های روزنامه هم جذاب باشد که بداندند اگر این بودجه استفاده نشود به دولت بر گردانده می‌شود و صندوق نیست که این سرمایه در آن ذخیره شود. دوستان فیلمساز باید طرح‌هایشان را آماده کنند و راییه دهند. مثلاً پروژه اهانه تولید سه فیلم فاخر شده و در دل بودجه سینمایی کشور نبوده، سال ۸۸ فیلم ۳۲۳زیر شامل این بودجه شد، سال ۸۷ راه آبی ابریشم، سال ۸۶ ملک سلیمان... و خب البته اگر از این بودجه مجلس استفاده نشود شاید دیگر هر‌گز چنین بودجه‌ای تعریف نشود چون فکر می‌کنند اصلاً به آن نیاز نیست.» او می‌گوید بخش عمده‌ای از این بودجه صرف تهیه وسایل و تجهیزات سینمایی می‌شود و بخش دیگر هم احتمالاً صرف بازسازی سینما‌ها و این کار یک زیربنایی است.

واقعا این بودجه صرف چه چیزی می‌شود؟

مساله اینجاست که وا‌وجود تصویب پرداخت ۲۵میلیون دلار به سازمان سینمایی، هنوز برنامه‌ای برای هزینه آن اعلام نشده است. بودجه‌ای که ر‌خوت را از گیشه‌ها بیرون نمی‌کشد اما در خوشبختانه‌ترین حالت شاید بتواند بخش تولید را شاداب‌تر کند. اما همه، اینها، اما فقط، حس و زمان است؛ و زمان ۲۵میلیون دلار صرف چه‌چیزی می‌شود؟ کسی خبر دارد؟

«کیانیان» در غمگین‌ترین سال زندگی‌اش

ایستنا: «قدیم‌ها فکر می‌کردم یک آدم ۳۰ساله دیگر پیر است در ۵۰سالگی تصور این بود که ۷۰سالگی دیگر پیری است اما حالا فکر می‌کنم اگر ۹۹سالگی هم بمیرم، چوآنرگم شده‌ام!» اینها جملات رضا کیانیان است هم‌زمان با ۲۹ خرداد سالروز تولد ۶۱گیا‌اش، که معتقد است «امسال غمگین‌ترین سال زندگی‌ام است».

رد صلاحیت مدیر یک

موسسه انتشاراتی پی اس از ۲۶ سال فعالیت

مهر: مدیر نشر «علوم دانشگاهی» پی اس ۲۶ سال فعالیت رد صلاحیت‌شده و وزارت ارشاد خواستار معرفی مدیر جدید برای این انتشارات شده است. با وجود تمدید پروانه فعالیت انتشارات «علوم دانشگاهی» از سوی اداره کتاب وزارت ارشاد در اواخر سال ۱۳۹۰، صلاحیت «شهپرو بنوین‌زاده» که ۲۶ سال است به عنوان مدیر این موسسه انتشاراتی فعالیت می‌کند، رد شد. رد صلاحیت مدیر این موسسه انتشاراتی حدود سه هفته قبل به وی اعلام شده اما در ابرایغه مذکور اشاره‌ای به دلیل این مساله نشده است. در این ابرایغه همچنین از مسوولان موسسه انتشاراتی علوم دانشگاهی خواسته شده نسبت به اعلام فرد جایگزین به عنوان مدیر نشر اقدام کنند. انتشارات علوم دانشگاهی دارای پروانه فعالیت دایمی به شماره ۲۱۲ است و در زمینه انتشار کتاب‌های حوزه‌های فنی و مهندسی فعالیت می‌کند. صلاحیت مدیر انتشارات «کتاب روشن» تأیید نشده و فعالیت این موسسه انتشاراتی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. صلاحیت «هرمز همایون‌پور» مدیر انتشارات کتاب روشن از سوی اداره کتاب وزارت ارشاد رد شده است. در همین حال درخواست تمدید پروانه فعالیت «کتاب روشن» هم بعد از گذشت حدود شش ماه از ارایه آن، پاسخی نگرفته و فعالیت این موسسه انتشاراتی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.

برای دومین بار بخشی از کتیبنه تماشا‌ش هنر‌های معاصر بانک «پاسارگاد»، در موسسه فرهنگی-هنری «صبیا» با حضور هنرمندان تجسمی رونمایی شد. امین تفرشی، عضو هیات‌مدیره بانک پاسارگاد از بانیان این اتفاق در این جمع گفت: شاید برای اولین بار باشد که بخش خصوصی در عرصه هنر و به‌ویژه هنر معاصر فعالیت می‌کند. چنین فعالیت‌هایی در تمام دیر رسماً است. در ادامه این مراسم جواد مجابی، نویسنده و منتقد هنری راه‌اندازی چنین موزه‌ای را یک سرمایه ملی دانست و افزود: در چند دهه اخیر سینما و تماشای از جدی‌ترین عرصه‌های هنری بودند که به هنر معاصر پرداختند و خوشبختانه زمینه‌ای فراهم شد تا در این نمایشگاه دربرگیرنده حدود ۵۰۰ تابلو و مجسمه است.



فیلمبرداری فیلم سینمایی محمد(ص) به کارگردانی مجید مجیدی، با پایان فیلمبرداری منته‌های مربوط به مکه در زمان تولد پیامبر(ص) به نیمه رسید. پس از این مرحله، با پایان عملیات اسکن لیزر شهر مکه که برای بخش جواهرهای ویژه منته‌های قرار در مردم پس از خبر حمله ابرهه مورد نیاز است، بازسازی مکه و ساخت‌وساز کمپه جدید برای فیلمبرداری منته‌های پایانی فیلم آغاز می‌شود. فیلمبرداری این فیلم با منته‌های وفات مادر رسول اکرم(ص) در روستای ابوا، روستایی که پیامبر(ص) در بازگشت از سفر مدینه مادر بزرگوارشان را در آن روستا از دست می‌دهند و فیلمبرداری منته‌های مربوط به دوران شیرخوارگی و خردسالی در روستای سعیدیه ادامه پیدا خواهد کرد. این پروژه مذهبی-تاریخی با حضور عوامل حرفه‌ای و شاخص خارجی و داخلی در حال ساخت است.

نقش دوبله «خسروشاهی» در شکل گرفتن شمایل «آلن دلون» گرمادر سرما هوم داورى

■ شاید «خسرو خسروشاهی» معروف‌ترین و محبوب‌ترین دوبلور ایرانی باشد. کسی که با صدای یکه و گیرایش باعث بیشتر دیده شدن و ماندگاری فیلم‌های «آلن دلون» در ایران شد. از آن طرف، جنس صدای گرم خسروشاهی که نوعی حس به‌شدت سینمایی در آن هست، این امکان را به وجود آورد که او در فیلم‌های زیادی از سینمای هند هم نقش گوینی کند و به جزئی جدایی‌ناپذیر از تصویر این فیلم‌ها،به‌ویژه شمایل «آمیتاب بچن» در ایران تبدیل شود.البته نقش گوپی خسروشاهی به جای آلن دلون در جایگاهی بسی بالاتر و بارزتر از فیلم‌های هندی قرار می‌گیرد. صدای خود دلون محکم، خشن و بم است و البته با شخصیت‌هایی که به‌ویژه در فیلم‌های «آن‌پیر ملویل» بازی‌شان کرده تناسب دارد. در «سامورای» که یکی از نمونه‌ای‌ترین آثار ملویل است و یکی از تصویرهای ماندگار دلون را به دست می‌دهد، دلون نقش قاتلی خونسرد و مبیادی آداب را بازی می‌کند

که همه زندگی‌اش را در کارش خلاصه کرده است.او به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد که خالی در آنچه باید انجام بدهد و به عنوان قرارداد آن را پذیرفته نطمه‌ای وارد کند. حتی جنبه عاطفی و عشاقانه شخصیت او بسیار کهرنگ و ای‌سا ناتمام و ناقص است. در واقع سامورایی دو بعد شخصیتی کاملاً متفاوت دارد که با بیشترین فاصله ممکن از هم قرار دارند: یکی قاتلی خونسرد و بی‌احساس که به شکلی مکانیکی در قبال پول آدم می‌کشد و در لحظه کشیدن ماشه ذرای تردید به خود راه نمی‌دهد و دیگری، مردی که زن‌ها را برابرش نمی‌توانند مقاومت کنند و بدون اینکه تلاش زیادی بکنند موفق می‌شود آنها را به خود جذب کند. شش‌دت این جذب کردن تا آنجاست که هر دو زنی که در فیلم او با آشنا می‌شوند حاضر می‌شود برای نجات او از جنگ پلیس و مافیا، برایش فداکاری کنند و زندگی‌شان را به خطر بینازند. روشی که خسروشاهی برای نقش گوپی چنین شخصیت پیچیده‌ای به کار گرفته و اصلا تداوب شدن او برای دوبله این شخصیت، کمک زیادی به بازی ناله دلور کرده است. صدای خسروشاهی نقش سامورایی باورپذیرتر شده است و از ابعاد آسمانی و آیینی افراطی‌اش، که در فیلم اصلی هست و به‌مذات‌پنداری بیننده‌ها باطمه می‌زند، کشته شده است. در فیلم اثر بسیار کمی از رابطه سامورایی با «جین لاگراژ» (با بازی ناتالی دلون و نقش گوپی شِیلا ناظریان) وجود دارد و وقتی لاگراژ حاضر می‌شود برای سامورایی از زندگی و آینده‌اش بی‌گانه می‌شود سوال اساسی در ذهن شکل می‌گیرد که او چرا حاضر شده برای سامورایی به چنین از‌خودگذشتگی‌ای تن بدهد؟ چه مهر و محبتی از سامورایی دیده که دارد به این شکل آن را جبران می‌کند؟ صدای محکم و زمخت خود دلون در نسخه اصلی هم کمکی به حل این مساله نمی‌کند.دقیقا همین‌جاست که صدای خسروشاهی در نسخه دوبله به کمک شخصیت‌پردازی آلن دلون می‌آید. صدای گرم خسروشاهی که رگه‌هایی از رمانتیسم و عاشقی‌پیشگی در خود دارد، وقتی روی چهره سرد و بی‌احساس این آدم‌کش منبشیده، باعث می‌شود فاصله زیاد بین دو بعد شخصیتی او به میزان بسیار زیادی کم شود. در فصل‌هایی که سامورایی به خانه جین می‌آید، خسروشاهی هوشمندانه حسی از شکنندگی و آسیب‌پذیری به صدایش افزوده که باعث می‌شود دیالوگ‌های اندک و کوتاه دوتفوی بین او و جین وجهی عاشقانه‌تر و زمینی‌تر پیدا کنند. جایی که او مصرا‌له از جین می‌پرسد که آیا حضور پلیس‌ها در خان‌اش باعث شده برای او مزاحمت ایجاد شود، صدای خسروشاهی است که از علاقه پنهان سامورایی به معشوقش خبر می‌دهد: در نسخه اصلی این حس شکنندگی وجود ندارد. درست برعکس برخورد سامورایی با جین، رفتار او با ماموران پلیس و گروه مافیا که در پی کشتن او هستند،سفت‌نویشتار و خشن است. او حتی جابایی برای آنکه جانش اذیت‌بدهد مجبور می‌شود شلک بزند و با ناجوامردی اسلحه را از کسی که روبه‌رویش نشسته بگیرد. خسروشاهی موفق شده برای دوبله این بخش‌های غیراحساسی و خشن فیلم (که بخش عمده‌ای از فیلم را به تشکیل می‌دهند) هم استراژی مناسبی بر بگزیند و به بازی دلون جلوه و جلای دیگری ببخشد. خسروشاهی بدون اینکه به‌گونه‌ی زیادی از آن استفاده کند، با بازی جابایی شکنندگی بگیرد، استحکام و قدرتی به صدا می‌بخشد که درست در راستای همان کم کردن فاصله بین دو بعد شخصیتی سامورایی عمل می‌کند. در مواجهه با پلیس که سامورایی دست بالا را دارد و مدارک محکمی برای عدم حضورش در صحنه جانیات تدارک دیده است، نوعی کنایه زدن و روکم‌کنی در صدای خسروشاهی وجود دارد که بعد‌انسانی وزمینی سامورایی را تقویت می‌کند.به‌ویژه آنجایی که پلیس به استیصال افتاده و مجبور هستند برخلاف میل‌شان او را آزاد کنند. خسروشاهی با طعنه می‌گوید: «حالا می‌تونم برم؟» چنین حسی از طعنه و کنایه در صدای خود دلون وجود ندارد و او اکثر مواقع، دیالوگ‌های اندک‌اش را با استحکام و سردی آدا می‌دهد. اما خسروشاهی با نقش گوپی هوشمندانه‌اش شخصیت دلون و فیلم سامورایی را ارتقا بخشیده است. شاید این یکی از آن موارد استثنایی و عجیب باشد. کارگردان و بازیگر نقش، تمام تلاش‌اش را کرده‌اند تا فیلم و نقش را سرد و مکانیکی و دور از احساسات و عواطف انسانی نشان بدهند. اما دوبلور تلاش کرده تا گرما و احساسات‌گرایی و احساسات مختلف انسانی را وارد نقش کند. با اینکه این تضاد روی کاغذ اشتباه و محکوم به شکست به نظر می‌رسد، نتیجه کار درخشان از آب درآمده است. صدای خسروشاهی به منسجم‌تر شدن و باورپذیرتر شدن نقش منجر شده و باعث شده نقش فرامی‌ونی و یکسر آیینی سامورایی از آسمان به زمین بیاید.